

### یادداشت

#### با صداقت به صداقت پاسخ می‌دهیم

در سال ۲۰۲۳، دولت چین نقش مهمی در تسهیل عادی‌سازی روابط ما با عربستان سعودی ایفا کرد و از این طریق دیدگاه سازنده و رویکرد آینده‌نگرانه خود را در امور بین‌المللی به نمایش گذاشت.

روسیه یک هم‌پیمان راهبردی ارزشمند و همسایه ایران است و دولت من متعهد است که به گسترش و تقویت همکاری‌هایمان پایند بماند. ما برای مردم روسیه و اوکراین آرزوی صلح داریم و دولت من آماده حمایت فعالانه از ابتکارات دیپلماتیک در جهت دستیابی به این هدف خواهد بود. دولت من همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با روسیه را - به‌ویژه در چارچوب‌هایی مانند بریکس، سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی یوراسیا- با در اولویت قرار خواهد داد. با علم به اینکه صحنه جهانی از الگوهای سنتی فراتر رفته، دولت من متعهد است که روابط متقابل مفید خود را با بازیگران بین‌المللی نوظهور در جنوب جهان، به‌خصوص با کشورهای افریقایی، تقویت کند. در این راستا، به دنبال ارتقای همکاری‌ها و تقویت مناسبات‌مان خواهیم بود.ایران با کشورهای آمریکای لاتین روابط مستحکمی دارد و دولت من در جهت حفظ و تعمیق آن به منظور پیشبرد توسعه، گفت‌وگو و همکاری در همه زمینه‌ها اقدام خواهد کرد. همکاری بین ایران و کشورهای آمریکای لاتین از آنچه در حال حاضر برقرار است، به مراتب ظرفیت‌های بیشتری دارد و ما پیگیر تقویت پیوندهایمان خواهیم بود. روابط ایران و اروپا فرازنشیب‌های زیادی داشته است. پس از خروج ایالات متحده از برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) در ماه می ۲۰۱۸، کشورهای اروپایی ۱۱ تعهد به ایران دادند تا توافق هسته‌ای را نجات داده و تأثیر تحریم‌های غیرقانونی و یک جانبه‌ایات متحده بر اقتصاد ما را تعدیل کنند. ازجمله این تعهدات می‌توان به تضمین انجام مبادلات بانکی به‌صورت مؤثر، محافظت مؤثر از شرکت‌ها در برابر تحریم‌های ایالات متحده، و ترویج سرمایه‌گذاری در ایران نام بُرد. کشورهای اروپایی تمام این تعهدات را نقض کرده‌اند، اما به‌طور نامعقولی انتظار دارند ایران به صورت یک‌جانبه به تمام تعهدات خود مطابق برجام عمل کند. با وجود این انحراف‌ها، من آماده برگزاری گفت‌وگوهای سازنده با کشورهای اروپایی هستم تا با تلاش مشترک، روابطمان را بر پایه اصل برابری و احترام متقابل، به مسیر صحیح هدایت کنیم. کشورهای اروپایی باید در اولویت مردم ایران، مردمی باافتخار هستند و حقوق و شان آنها را دیگر نمی‌توان نادیده گرفت. هرگاه قدرت‌های اروپایی به این واقعیت واقف شوند، تصور براساخته تقوق اخلاقی خود را کنار بگذارند و همچنین از بحران‌های ساختگی که مدت‌هاست بر روابطمان سایه افکنده عبور کنند، فرصت‌های بسیاری برای همکاری بین ایران و اروپا وجود خواهد داشت که می‌توان مورد بررسی قرار داد. فرصت‌های همکاری شامل همکاری‌های اقتصادی و فناوری‌انه، امنیت انرژی، مسیرهای ترانزیت، محیط زیست، همکاری‌های مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر، بحران پناهندگان و سایر حوزه‌ها هستند که همه اینها می‌توانند به نفع کشورهای ما پیگیری شوند. ایالات متحده آمریکا نیز باید به این درک رسیده باشد که ایران هرگز به زورگویی پاسخ نداده و نخواهد داد. ما در سال ۲۰۱۵ با حسن نیت وارد برجام شدیم و به تمام تعهدات‌مان به‌طور کامل عمل کردیم. اما ایالات متحده -به خاطر نزاع‌ها و انتقام‌های مربوط به حوزه سیاست داخلی خود- به‌طور غیرقانونی از توافق خارج شد و با تحمیل تحریم‌های یک‌جانبه فراسرزمینی، به مردم ایران -به‌ویژه در دوران پاندمی کرونا- زیان‌ها، رنج‌ها و آسیب‌های بی‌شمار و به اقتصاد ما صدها میلیارد دلار خسارت وارد کرد.ایالات متحده‌عامدانه تصمیم گرفت که با راه‌اندازی جنگ اقتصادی علیه ایران و همچنین با مبادرت به تروریسم دولتی از طریق ترور سردار قاسم سلیمانی -قهرمان نامی جهانی مبارزه با تروریسم که به خاطر موفقیت‌هایش در نجات مردم منطقه از داعش و گروه‌های وحشی مشابه شناخته می‌شود- نزاع‌ها را تشدید کند. امروز جهان شاهد تبعات زیان‌بار این تصمیم است.ایالات متحده آمریکا و متحدان غربی‌اش، نته‌تها یک فرصت تاریخی را برای کاهش و مدیریت تنش‌ها در منطقه و جهان از دست دادند، بلکه به‌طور جدی معاهده منع گسترش (NPT) را تضعیف کردند؛ چراکه نشان دادند هزینه‌های پایبندی به اصول عدم اشاعه می‌تواند از فواید احتمالی آن بیشتر باشد.به‌واقع، ایالات متحده و متحدان غربی‌اش از رژیم عدم گسترش سوءاستفاده کرده‌اند تا -برخلاف پرونده‌های دستگاه‌های اطلاعاتی خود- بحرانی براساخته در مورد برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران ایجاد کنند و از آن برای اعمال فشار مستمر بر مردم ما استفاده کنند. این در حالی است که هم‌زمان به حمایت فعالانه و بی‌دریغ از اسرائیل -یک رژیم آپارتایدی تجاوزگر که عضو پیمان این‌پی‌تی نیست و به گواه همه شواهد دارنده سلاح هسته‌ای است- پرداختند.

می‌خواهم بار دیگر تأکید کنم که دکترین دفاعی ایران شامل ساخت سلاح هسته‌ای نیست و ایالات متحده و ارامی‌خوانم تا از سوءمحاسبات گذشته‌اش درس گرفته و سیاست جدیدی متناسب با آن اتخاذ کند. تصمیم‌گیران در واشنگتن باید دریابند که سیاستی که مبنای آن قراردادن کشورهای منطقه در مقابل یکدیگر باشد، نه در گذشته موفق بوده و نه در آینده موفق خواهد شد. آنها باید حقیقت ایران را بی‌پذیرند و از تشدید تنش‌های موجود پرهیز کنند. مردم ایران به من یک مأموریت قوی داده‌اند تا با جدیت پیگیر تعامل سازنده در صحنه بین‌المللی -در حین بافشاری بر حقوق، عزت و نقش مستحق‌مان در منطقه و جهان- باشم. من از همه کسانی که مایل به پیوستن به این تلاش تاریخی هستند، دعوت به همکاری می‌کنم.

#### برسد به دست رئیس‌جمهور متکی بر کارشناسان

بلکه ذی‌نفعان هر حوزه را در انتخاب خود دخیل کنید. نه اینکه از میان آنان انتخابات کنید، خیرا نه بخش خصوصی واقعی سیمت دولتی را می‌پذیرد، نه عقلانی است که یک ذی‌نفع سکان‌دار هدایت یک وزارتخانه شود، بلکه مهم این است که اگر می‌خواهید وزیر صمت را انتخاب کنید، با ذی‌نفعان و بخش خصوصی واقعی در حوزه صنعت مشورت کنید. برای انتخاب وزیر ارتباطات با ذی‌نفعان حوزه و اساتذ آپ‌ها گفت‌وگو کنید. در حوزه صنعت ساختمان حتماً به انجمن‌های مستقل و سازندگان بزرگ و معتبر بخش خصوصی واقعی حوزه رجوع و مشورت کنید یا افراد معتمد را قبل از هر انتخابی مجبور به مشورت با ذی‌نفعان همان حوزه کنید تا در آینده چالش‌های اجرایی کمتری به وجود بیاید. یکی از مشکلات مهم در این کشور همواره این بوده است که برخلاف منویات مقام رهبری و توجه ایشان به بخش خصوصی واقعی (به کلمه واقعی تأکید می‌کنم تا خصولتی‌ها و رانتی‌ها را جدا کنیم) و تأکید اصل ۴۴ قانون اساسی همواره بخش خصوصی نادیده انگاشته شده و آن‌گونه که باید مورد توجه رؤسای اجرایی کشور قرار نگرفته است. آقای رئیس‌جمهور منتخب! نخستین نشت‌ها را خودتان به همراه مشاوران‌تان یا کسانی که برای هر وزارتخانه در نظر دارید، با ذی‌نفعان هر صنف برگزار کنید و بگذارید شعارهای‌تان از همان ابتدا رنگ و بوی تحقق بگیرد. امیدوارم منظور شما و تأکید بر استفاده از کارشناسان همان اندک افراد محدود سیاسی و حزبی نباشد و برای استفاده از کارشناسان عمق جامعه را ببینید. افرادی که با سرمایه‌های خود ریسک می‌کنند، در این کشور مانده‌اند و می‌سازند، اگر واقعا به نیروی کارشناسی معتقد هستید، از کسانی مشورت بگیرید که خاک‌خورده حرفه و صنعت خود باشند و راه ارتباطی مشخصی با آنان برای خود فراهم کنید. در غیراین‌صورت کارشناسان حزبی و سیاسی هر چقدر هم که خیره باشند، براساس منافع فکری خود به شما مشاوره خواهند داد، نه واقعیت‌های موجود. انجمن صنعت ساختمان نیز به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین صنایع کشور و

صنعت اول در اشتغال‌زایی و صنعت سوم در تولید ناخالص ملی، مشاوره رایگان و بدون توقع حاضر است در جلسه‌ای با جناب‌عالی مشکلات پیش‌روی این صنعت را با ارائه راهکارهای مناسب مطرح کند. امیدوارم در درجه اول این مطلب را ببینید و سپس تصمیم مناسب را اتخاذ فرمایید. ان‌شاءالله.

<div>۳۳</div>
داده‌ها از صفحه اول

رویدم به طراحی صحنه برای خودم غافلگیرکننده بود. اولین کاری که طراحی کردم، نمایش‌نامه «خسوف» (ابوالفضل حاج‌علیخانی) به کارگردان علیرضا استادی بود. آن طراحی صحنه، برگزیده جشنواره شد. اینها باعث شد کم‌کم خودم را کشف کنم که در چه حوزه‌هایی استعداد دارم. در دانشگاه قبل از ادبیات نمایشی، در بازیگری هم شرکت کرده بودم و آنجا چهار واحد کارگردانی داشтім. برخلاف اینکه فکر می‌کردم تحصیلات کارگردانی چندان لزومی ندارد و بیشتر منگی به خلاقیت و استعداد فرد است، ولی اصلا این‌طور نبود و آن چهار واحد واقعا کمکم کرد تا اصولی شیوه اجرا طراحی بکنم. پیش از آن، براساس خلاقیت و تجربه‌های کارگاهی برای اجرا روی متن ایده‌پردازی و دراماتوزی می‌کردم. وقتی درسم تمام شد، یکی از پروژه‌های کلاسی ما نمایش «تصادف قطار ۲۵:۰۵» بود که سال ۹۷ در تئاتر شهر اجرا بردم. تنها کسی بودم که اجرای کلاسی‌ام را اجرای حرفه‌ای بردم؛ چون یاد گرفته بودم چطور درسم را مکمل تجربه‌ام کنم. تازه از آنجا کارگردانی برایم جذاب شد. یک‌بار خبرنگاری گفت «شما در کارهای تئاتر، قاب‌های سینمایی می‌بندید.» من اینها را بیشتر در بازی یاد گرفتم؛ چون خیلی آدم دقیقی هستم و به کارگردانی کارگردانان خیلی دقت می‌کردم.

#### کار بازیگری را با چه‌کسی شروع کردید؟

بازیگری را با آقای امیر دزاکام شروع کردم. ایشان مدرس فوق‌العاده‌ای هستند. در طول سال‌هایی که کار کردم، فهمیدم نورپردازی، طراحی صحنه و لباس و همه اینهاست که کارگردانی را می‌سازد. شما نمی‌توانید بگویید من شیوه اجرا طراحی می‌کنم اما به نور کاری ندارم. باید اینها را مکمل کار خودتان طراحی کنید؛ یعنی اگر نینبند، نقض زیبایی‌شناسی شماست و از دید زیبایی‌شناسی هنوز کامل نشده‌اید. از آنجا به بعد در شیوه طراحی برای اجرا، نور و لباس و صحنه را هم خودم طراحی می‌کردم. نمی‌توانستم اینها را به کسی بیسارم. در عذاب بودم که چرا طراحی صحنه و لباس حرفه‌ای بلد نیستم! حالا بعد از چند تجربه، یاد گرفتم. شما باید در تمام این موارد علم داشته باشید. علاوه‌براین، باید در جامعه‌شناسی حال حاضر علم داشته باشید که چه‌چیزی را کارگردانی کنید، چه متنی انتخاب کنید که متناسب با زمان حال باشد یا از نظر بازیگردانی و هدایت بازیگران چقدر می‌توانید کمک کنید. کسی که می‌گوید من بازیگر نیستم اما کارگردان خوبی‌ام، به نظرم چرند می‌گوید. امکان ندارد کسی بازیگری را شناسد و بتواند بازیگران خوبی در اجرا داشته باشد. باید خودتان بازیگر خوبی باشید تا بتوانید هدایت بکنید.

#### برای خودتان بازیگری در اولویت است یا کارگردانی؟

ببینید، وقتی آدم خودش کارگردانی می‌کند، دیگران می‌گویند «او خودش دارد کار می‌کند.» درنتیجه پیشنهادهای بازیگری برای ما کم می‌شود. من در وهله اول بازیگرم و اتفاق‌های خیلی خوبی هم در زرومه بازیگری‌ام رقم خورد. دلم نمی‌آید آن را نیمه‌کاره بگذارم. بنابراین می‌گویم اگر قرار است هر دو سال یک‌بار دیده بشوم، حداقل این فرصت را ایجاد کنم که در کارهای خودم بازی هم بکنم تا فن بازیگری فراموش نشود. البته بازیگر اگر واقعا بازیگر باشد، آنچه را می‌داند هیچ‌وقت فراموش نمی‌کند. بازیگرانی که یک‌مدت از صحنه دور می‌مانند و بعد برمی‌گردند، اتفاقا باید سرشار از انرژی باشند؛ یعنی پتانسیلی درون‌شان جمع بشود و غوغا بکنند، ولی بازیگر باید همیشه تمرین بکند. این را برای خودم قائلم که بازی در کارهای خودم تمرینی برای خودم بشود.

#### کار با توجه به مسئولیت کارگردانی در نمایش «افلیا»، مشکلی برای رسیدن به نقش نداشتید؟

ما زمان خیلی کمی برای کارکردن روی بازی خودم داشتیم. خیلی دیر شروع کردم روی متن مسلط شوم. وقتی همه بچه‌ها آماده شدند، طراحی‌های من تکمیل شد و رقتیم برای ساخت دکور. تازه گفتم بچه‌ها کمک بکنید روی صحنه‌هایم مسلط بشوم! یک روز کامل فقط روی بازی خودم کار کردیم. من معتقدم بازیگری چیزی است که باید مداوم تمرین انجام شود تا شما روزبه‌روز پخته‌تر بشوید و بتوانید یک‌سری کانال‌های حسی بیشتر را در بازیگری کشف

و درک کنید. در این نمایش خیلی چیزها را تازه دارم کشف می‌کنم و برایم خیلی جذاب است.

#### وقتی می‌خواهید نمایشی روی صحنه بریسد، چه دغدغه‌هایی برای اجرای یک متن مجاب‌تان می‌کند؟

اول اینکه متن، مناسب با مقتضیات زمان حال جامعه باشد. مهم است که نمایش‌نامه حرفی برای گفتن داشته باشد. سراغ متن‌هایی که خیلی تخت هستند و به من شیوه اجرا نمی‌دهند، نمی‌روم. یک‌سری متن‌ها شاید برای خوانش نوشته شده‌اند. متنی را برمی‌دارم که در آن کارگردانی‌ام را به رخ بکنم. اگر قرار باشد یک متن همان‌طور که نوشته شده، روی صحنه بیاید، پس ما با نویسنده چه فرق داریم؟! من باید این توانایی را داشته باشم که متن را ترجم کنم؛ یعنی طوری روی صحنه بیاورم که عینیت فیزیکی پیدا کند و تماشاگر المان‌هایی را که در کار گذاشته‌ام، درک کند. معمولا متن‌های ایپزودیک و متن‌هایی ایپیک یا پرشتی این فضا را بیشتر به من می‌دهند. ما برای انتخاب نمایش‌نامه افلیا، خیلی متن خواندیم. حتی متن «شکلک» (نغمه نمینی) را قبل از این انتخاب کرده بودیم، ولی به سن بچه‌ها نمی‌خورد. افلیا را که خواندیم، دیدم هم نگاه تازه‌ای دارد و هم خیلی به من شیوه اجرایی می‌دهد.

### گفت‌وگو با شقایق فتحی،کارگردان نمایش «أفلیا»

# من کارگردان سرکشی هشتم

#### احمدرضاجارزاده

نمایش «أفلیا» به نویسندگی محمد

چرمشیر و کارگردانی شقایق فتحی که

این روزها در سالن جمیله شبخی مجموعه تالار محراب اجرا می‌شود، از بهترین تئاترهای درحال اجراست. گرچه بازیگران این نمایش جوان و تازه‌کارند، اما بازی‌های بسیار خوب و درخشانی ارائه داده‌اند. کارگردان نمایش افلیا، با آنکه در رشته ادبیات نمایشی تحصیل کرده، ولی بیش از دو

#### کار آغاز کمی از خودتان بگویید. چطور وارد دنیای بازیگری و کارگردانی شدید؟

من از سال ۷۳ کار می‌کنم. البته کارگردانی را از سال ۸۵ شروع کردم. بانی ورودم به کارگردانی، زنده‌یاد کریم اکبری‌مبارکه بود که با متن «پهلوان اکبر می‌میرد» (بهرام بیضایی) به کارگردانی تششوقیم کرد. البته آن اجرا، نمایش‌نامه‌خوانی بود. گروه بازیگران انتخاب خود آسای اکبری‌مبارکه بود و خودش‌ان هم بازی کردند. این اتفاق برایم انگیزه‌ای شد تا ببینم چقدر می‌توانم در این حیطه فعال باشم. چون کارم را با بازیگری شروع کردم، هیچ‌وقت انگیزه کارگردانی نداشتم. همیشه می‌گفتم چون کارگردانی در ایران پشتیبانی مالی ندارد، باید کار سختی باشد و من حوصله‌اش را ندارم. بااین‌حال، انگار سرنوشته برای شما طور دیگری می‌چیند. در ادامه با ابوالفضل حاج‌علیخانی آشنا شدم و یک گروه شدیم و شش سال مرتب کار کردیم. او می‌نوشت و من متن‌ها را دراماتوزی می‌کردم. از شیوه کارگردانی‌ام روی متن‌ها استقبال می‌شد. کارها را روی صحنه می‌بردیم، جایزه می‌گرفت یا کار برگزیده می‌شد.

افتخار‌ها خوبی‌ها.

#### چطور وارد شاه‌های دیگر مثل طراحی صحنه و لباس شدید؟

ورودم به طراحی صحنه برای خودم غافلگیرکننده بود. اولین کاری که طراحی کردم، نمایش‌نامه «خسوف» (ابوالفضل حاج‌علیخانی) به کارگردان علیرضا استادی بود. آن طراحی صحنه، برگزیده جشنواره شد. اینها باعث شد کم‌کم خودم را کشف کنم که در چه حوزه‌هایی استعداد دارم. در دانشگاه قبل از ادبیات نمایشی، در بازیگری هم شرکت کرده بودم و آنجا چهار واحد کارگردانی داشтім. برخلاف اینکه فکر می‌کردم تحصیلات کارگردانی چندان لزومی ندارد و بیشتر منگی به خلاقیت و استعداد فرد است، ولی اصلا این‌طور نبود و آن چهار واحد واقعا کمکم کرد تا اصولی شیوه اجرا طراحی بکنم. پیش از آن، براساس خلاقیت و تجربه‌های کارگاهی برای اجرا روی متن ایده‌پردازی و دراماتوزی می‌کردم. وقتی درسم تمام شد، یکی از پروژه‌های کلاسی ما نمایش «تصادف قطار ۲۵:۰۵» بود که سال ۹۷ در تئاتر شهر اجرا بردم. تنها کسی بودم که اجرای کلاسی‌ام را اجرای حرفه‌ای بردم؛ چون یاد گرفته بودم چطور درسم را مکمل تجربه‌ام کنم. تازه از آنجا کارگردانی برایم جذاب شد. یک‌بار خبرنگاری گفت «شما در کارهای تئاتر، قاب‌های سینمایی می‌بندید.» من اینها را بیشتر در بازی یاد گرفتم؛ چون خیلی آدم دقیقی هستم و به کارگردانی کارگردانان خیلی دقت می‌کردم.

#### کار بازیگری را با چه‌کسی شروع کردید؟

بازیگری را با آقای امیر دزاکام شروع کردم. ایشان مدرس فوق‌العاده‌ای هستند. در طول سال‌هایی که کار کردم، فهمیدم نورپردازی، طراحی صحنه و لباس و همه اینهاست که کارگردانی را می‌سازد. شما نمی‌توانید بگویید من شیوه اجرا طراحی می‌کنم اما به نور کاری ندارم. باید اینها را مکمل کار خودتان طراحی کنید؛ یعنی اگر نینبند، نقض زیبایی‌شناسی شماست و از دید زیبایی‌شناسی هنوز کامل نشده‌اید. از آنجا به بعد در شیوه طراحی برای اجرا، نور و لباس و صحنه را هم خودم طراحی می‌کردم. نمی‌توانستم اینها را به کسی بیسارم. در عذاب بودم که چرا طراحی صحنه و لباس حرفه‌ای بلد نیستم! حالا بعد از چند تجربه، یاد گرفتم. شما باید در تمام این موارد علم داشته باشید. علاوه‌براین، باید در جامعه‌شناسی حال حاضر علم داشته باشید که چه‌چیزی را کارگردانی کنید، چه متنی انتخاب کنید که متناسب با زمان حال باشد یا از نظر بازیگردانی و هدایت بازیگران چقدر می‌توانید کمک کنید. کسی که می‌گوید من بازیگر نیستم اما کارگردان خوبی‌ام، به نظرم چرند می‌گوید. امکان ندارد کسی بازیگری را شناسد و بتواند بازیگران خوبی در اجرا داشته باشد. باید خودتان بازیگر خوبی باشید تا بتوانید هدایت بکنید.

ببینید، وقتی آدم خودش کارگردانی می‌کند، دیگران می‌گویند «او خودش دارد کار می‌کند.» درنتیجه پیشنهادهای بازیگری برای ما کم می‌شود. من در وهله اول بازیگرم و اتفاق‌های خیلی خوبی هم در زرومه بازیگری‌ام رقم خورد. دلم نمی‌آید آن را نیمه‌کاره بگذارم. بنابراین می‌گویم اگر قرار است هر دو سال یک‌بار دیده بشوم، حداقل این فرصت را ایجاد کنم که در کارهای خودم بازی هم بکنم تا فن بازیگری فراموش نشود. البته بازیگر اگر واقعا بازیگر باشد، آنچه را می‌داند هیچ‌وقت فراموش نمی‌کند. بازیگرانی که یک‌مدت از صحنه دور می‌مانند و بعد برمی‌گردند، اتفاقا باید سرشار از انرژی باشند؛ یعنی پتانسیلی درون‌شان جمع بشود و غوغا بکنند، ولی بازیگر باید همیشه تمرین بکند. این را برای خودم قائلم که بازی در کارهای خودم تمرینی برای خودم بشود.

#### کار با توجه به مسئولیت کارگردانی در نمایش «افلیا»، مشکلی برای رسیدن به نقش نداشتید؟

ما زمان خیلی کمی برای کارکردن روی بازی خودم داشتیم. خیلی دیر شروع کردم روی متن مسلط شوم. وقتی همه بچه‌ها آماده شدند، طراحی‌های من تکمیل شد و رقتیم برای ساخت دکور. تازه گفتم بچه‌ها کمک بکنید روی صحنه‌هایم مسلط بشوم! یک روز کامل فقط روی بازی خودم کار کردیم. من معتقدم بازیگری چیزی است که باید مداوم تمرین انجام شود تا شما روزبه‌روز پخته‌تر بشوید و بتوانید یک‌سری کانال‌های حسی بیشتر را در بازیگری کشف

و درک کنید. در این نمایش خیلی چیزها را تازه دارم کشف می‌کنم و برایم خیلی جذاب است.

#### وقتی می‌خواهید نمایشی روی صحنه بریسد، چه دغدغه‌هایی برای اجرای یک متن مجاب‌تان می‌کند؟

اول اینکه متن، مناسب با مقتضیات زمان حال جامعه باشد. مهم است که نمایش‌نامه حرفی برای گفتن داشته باشد. سراغ متن‌هایی که خیلی تخت هستند و به من شیوه اجرا نمی‌دهند، نمی‌روم. یک‌سری متن‌ها شاید برای خوانش نوشته شده‌اند. متنی را برمی‌دارم که در آن کارگردانی‌ام را به رخ بکنم. اگر قرار باشد یک متن همان‌طور که نوشته شده، روی صحنه بیاید، پس ما با نویسنده چه فرق داریم؟! من باید این توانایی را داشته باشم که متن را ترجم کنم؛ یعنی طوری روی صحنه بیاورم که عینیت فیزیکی پیدا کند و تماشاگر المان‌هایی را که در کار گذاشته‌ام، درک کند. معمولا متن‌های ایپزودیک و متن‌هایی ایپیک یا پرشتی این فضا را بیشتر به من می‌دهند. ما برای انتخاب نمایش‌نامه افلیا، خیلی متن خواندیم. حتی متن «شکلک» (نغمه نمینی) را قبل از این انتخاب کرده بودیم، ولی به سن بچه‌ها نمی‌خورد. افلیا را که خواندیم، دیدم هم نگاه تازه‌ای دارد و هم خیلی به من شیوه اجرایی می‌دهد.

دهه است به‌عنوان هنرمندی پرکار و خلاق در رشته‌های مختلف هنرهای نمایشی نظیر بازیگری، کارگردانی، طراحی نور و صحنه و لباس فعالیت دارد. شقایق فتحی که سال گذشته نمایش «سیاه و غزال» را در تماشاخانه سنگلج روی صحنه برده بود، اکنون با اجرای «افلیا» در سالنی بسیار کوچک، دوستداران تئاتر حرفه‌ای را غافلگیر کرده است. به بهانه اجرای نمایش «افلیا»، با این کارگردان به گفت‌وگو نشستیم.

به‌رغم اینکه آقای چرمشیر در توضیح صحنه‌ها یک‌سری شیوه‌های اجرا طراحی کرده‌اند، اما من خیلی پایبند به آن توضیحات نبودم.

#### کار فکر می‌کنید افلیایی که روی صحنه برده‌اید، چقدر به شرایط روز جامعه ما نزدیک و برای مخاطب عادی تئاتر، ملموس و قابل درک است؟

در صفحه بلیت‌فروشی نمایش‌مان، یک جمله را به‌عنوان تبلیغ قید کرده‌ام که به نظرم اصلی‌ترین نکته‌ای که می‌تواند حرف امروز جامعه ما باشد، همین جمله است: «سخت‌ترین کار در این سرزمین، زن بودن است». این یک واقعیت است و توضیح بیشتری نمی‌خواهد. فرقی ندارد شما ملکه گرترود باشید یا افلیایی که زیر دست گرترود بزرگ شده. فرقی نمی‌کند در این جامعه از چه قشری باشید؛ اشرف‌زاده یا قشر متوسط جامعه. ما داریم این را لمس می‌کنیم. زن بودن به تمام معنا سخت شده. البته از سال‌های دور تا امروز سخت بوده اما در این سرزمین از همه‌جا سخت‌تر است.

#### کار در اجرای این متن، چقدر به نمایش‌نامه وفادار بودید و چقدر به ایده‌های خلاقانه خودتان منگی بودید؟

من کمی سرکش هستم! خیلی نمی‌توانند من را در قفس نگه دارند. وقتی متنی را به من می‌دهند، باید حتما آن را دست‌کاری بکنم؛ یعنی باید آن‌طور که خودم می‌بینم، روی صحنه بیاورم. خدا را شکر آقای چرمشیر درباره این اتفاق خیلی تدافعی ندارند و دست‌ما را باز گذاشتند؛ بنابراین خیلی پایبند به شیوه‌های اجرایی در توضیح صحنه‌ها نبودم. مثلا در صحنه ششم، تنگ ماهی طراحی شده بود، ولی من آن را به‌صورت آکواریومی در آوردم که هملت به‌عنوان ماهی اجرایش می‌کند؛ یک پرفورمنس که پرفورم داخل آکواریوم، هملت باشد. این چیزی بود که من از متن دریافت‌م و به این شکل اجرایش کردم. با جای دیگری، شخصیت‌ها دارند بدمیثتون خیالی بازی می‌کنند و تویی وجود ندارد. من گفتم نمی‌خواهم این اتفاق بیفتد. فقط می‌خواهم دو تا جتر باشد و توب‌ها به سمت آنها حمله‌ور بشود، همین!

#### از نقاط قوت نمایش شما این است که در سالن بسیار کوچکی، فضای بزرگ قصر و رفت‌وآمد شخصیت‌ها را خیلی خوب از کار درآورده‌اید؛ یعنی اصلا حس نمی‌شود در یک سالن کوچک نمایش می‌بینیم. آیا نمایش از ابتدا برای این سالن طراحی شده بود یا اجرا در این سالن پیشنهاد شد؟

ما همیشه سالن‌های دیگر را هم مدنظر داریم. برای اجرای این نمایش، در تئاتر شهر هم اقدام کردم که متأسفانه این فرصت را به ما ندادند؛ یعنی این متن فوق‌العاده را رد کردند! وقتی شما کار قوی می‌بینید، مستلزم زمینه قوی است و زمینه قوی، متن قوی می‌طلبد. امیدوارم در سری جدید اجراها، بتوانیم برای سالن‌های بهتر اقدام بکنیم. قصد دارم این نمایش را برای اجرای عمومی مجدد و جشنواره‌ها اجرا بکنیم، ولی حس می‌کردم برای اینکه نمایش «افلیا» با دکور قرمز و مشکی دیده بشود، مستلزم بلک‌باکس است؛ یعنی این نمایش روی سن شاید کم بشود. یکی از دوستان گفت چرا سالن بزرگ محراب را نگرفتی؟ گفتم ما دکور جمع‌وجور و کوچکی داریم. ضمن اینکه بازی‌ها را طوری طراحی کردم تا خیلی غلو نداشته باشند؛ بنابراین باید فاصله بازیگر با مخاطب کم باشد. وقتی کاری را این‌طوری طراحی می‌کنید، باید سراغ سالن‌های کوچک بروید. هرچند این سالن دیگر خیلی کوچک است! اگر کمی بزرگ‌تر بود، می‌توانستیم بیشتر دیده بشویم اما چون داشته‌یم به ماه محرم نزدیک می‌شدیم و نمی‌خواستم نمایش بیات بشود، گفتم اجرای محراب را برویم. بعد از محرم در یک سالن بهتر ادامه می‌دهیم.

#### در نمایش‌نامه «افلیا»، گویا قرار بوده به ماجرای این شخصیت پرداخته بشود. در واقع داستان هملت را از منظر افلیا می‌شنویم. در اجرای شما تمام جزئیات نمایش‌نامه هملت دیده می‌شود؛ یعنی حتی نمایشی را که هملت ترتیب می‌دهد، اجرا کرده‌اید. با وجود این‌همه شباهت، چرا متن هملت را اجرا نکردید؟

برای اجرای این نمایش‌نامه، اتفاقا از این نکته استقبال کردم که با زاویه دید دیگری روایت می‌شود، چون ما همیشه هملت را در قالبی تکراری دیده و شنیده‌ایم که مثلا کلاودیوس پدر هملت را کشته و باقی ماجرا، ولی این‌بار از زاویه دید افلیا، روی مرگ او زوم شده‌ایم که چرا افلیا خودکشی کرد. هرچند الان نسخه سینمایی افلیا ساخته شده و در آن فیلم افلیا نمی‌میرد! بعضی می‌توانیم این داستان را با نگاه‌های مختلفی اجرا ببریم. ما به متن آقای چرمشیر دست نزنیم اما اتفاق قشنگ این متن، این است که روی لایه‌های شخصیتی کاراکترها زوم می‌کند. نمایش‌نامه هملت یک متن روان‌شناختی است اما زوم نشده تا لایه‌های شخصیت‌ها را بیرون بکشند. ولی در متن افلیا، آقای چرمشیر این‌کار را کرده‌اند. ایشان به بطن کاراکترها رفته‌اند. جنس دیالوگ‌ها را که می‌شنویم، حس می‌کنیم حرف‌هایی است که یک کاراکتر نمی‌تواند راحت به زبان بیاورد. حرف‌هایی است که شاید در دلش بگوید. مثلا متن هملت را که می‌خوانیم، شاید در پاتکس دیالوگ‌ها باشد اما آقای چرمشیر روی پاتکس مانور داده و دیالوگ‌هایی را گفته که لایه‌های زیرین شخصیت‌ها را بیرون بکشد. این برایم جذاب بود. این‌که افلیا چه‌کسانی را در مرگ خودش مقصر بداند، مسئله نیست؛ مسئله این است که کاراکترها و آن چالش‌های روحی و روانی که درون‌شان اتفاق می‌افتد، در این‌کار رو می‌شود و در نمایش‌نامه هملت اصلی این اتفاق نمی‌افتد. مثل اتفاقی که در «مکبث زار» ابراهیم پشت‌کوهی افتاد.

آنجا هم لایه‌های شخصیت‌ها را بیرون کشیده بود که خیلی دوست داشتم. متن‌هایی را که روی روان کاراکترها مانور می‌دهد، بیشتر دوست دارم. چون روی بازیگری بیشتر مانور می‌دهد و من هم دغدغهام بازیگری است.

#### کار درباره نقش هملت، چرا از بازیگر زن در قالب مردپوش استفاده کردید؟

بین بازیگرانی که داشتیم، بهترین انتخاب «روژان ساعدی» بود. من دو بازیگر پسر داشتم و دو بازیگر دختر. اگر خودم هم اضافه می‌شدم، باز یک بازیگر پسر کم داشتم. این فکر ناگهان به ذهنم رسید که از روژان برای نقش هملت استفاده کنم. به نظرم چالش بازیگری خیلی خوبی برای او بود. روژان در نمایش «سیاه و غزال»، کمتر از «آیسان یعقوبی» مانور بازی داشت. حس کردم اینجا نیاز است بیشتر در بازیگری چالش داشته باشد و درگیرش بکنم. ناگهان به ذهنم رسید چقدر خوب است نقش هملت را روژان بازی بکند. دلیل دیگرش این بود که دستم در کارگردانی بازر تر باشد تا صحنه‌های رمانتیک افلیا و هملت را راحت‌تر بازی بکنند و مشکلی نباشد.

#### اخبار برگزیده

#### موج نوی سینمای ایران به ملیورن رسید

ایسنا، هفتادودومین جشنواره فیلم ملیورن بخش ویژه‌ای را به «موج نوی سینمای ایران» بین سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۹ اختصاص داده که شامل نمایش آثار کوتاه و بلند سینماگران شناخته‌شده و تأثیرگذار ایرانی است.

در بخش ویژه موج نوی سینمای ایران در جشنواره ملیورن، فیلم‌های خشت و آینه (ابراهیم گلستان)، درشکه‌چی (نصرت کریمی)، کاو (داریوش مهرجویی)، بن‌بست (پرویز صیاد)، گوزن‌ها (مسعود کیمیایی)، یک اتفاق ساده (سهراب شهیدتالان)، غریبه و مه (فرهنگ بیضایی)، سایه‌های بلند باد (بهمن فرمان‌آرا) و آرامش در حضور دیگران (ناصر تقوایی) نمایش داده می‌شود.

همچنین در برنامه عصر طلایی انیمیشن ایرانی ۱۹۷۷-۱۹۶۵ نیز یک جشنواره (نصرت کریمی)، شهر خاکستری (فرشید مثقالی)، سیاه برنده (مرتضی ممیز)، اتل متل (نورالدین زرین‌کلک)، رخ (علی‌اکبر صادقی)، من آتم‌ک که (علی‌اکبر صادقی)، دنیای دیوانه دیوانه دیوانه (نورالدین زرین‌کلک)، ملک خورشید (علی‌اکبر صادقی)، دوباره نگاه کن (فرشید مثقالی) و در بخش برنامه مستندهای ایران ۱۹۶۷-۱۹۶۱ نیز یک آتش (ابراهیم گلستان)، اون شب که بارون اومد (کامران شیردل) و خانه سیاه است (فره فرخزاد) به روی پرده می‌رود.

همچنین در برنامه کانون: از آموزشی تا شاعرانه ۱۹۷۷ - ۱۹۷۴ هم فیلم‌های دو راه‌حل برای یک مسئله (عباس کیارستمی)، بزرگداشت معلم (عباس کیارستمی)، راه‌حل یک (عباس کیارستمی) و انتظار (امیر نادری) به نمایش گذاشته می‌شوند. هفتادودومین جشنواره فیلم ملیورن از ۸ تا ۲۵ اگوست (۱۸ مرداد تا ۴ شهریور) در استرالیا برگزار خواهد شد.

#### ستاره فیلم «درخشش» در گذشت



«شلی دووال»، هنرپیشه آمریکایی و ستاره فیلم «درخشش» ساخته «استنتل کوبریک» و محفت فیلم از «رابرت آلتمن»، در ۷۵ سالگی درگذشت.

«شلی دووال» در خواب و در خانه‌اش در بلانکو-تگزاس به دلیل عوارض ناشی از دیابت درگذشت. «دووال» که در سال ۱۹۴۹ در فورت‌وورث، تگزاس به دنیا آمد، پس از آشنایی با رابرت آلتمن در یک میهمانی در سال ۱۹۷۰ درحالی‌که او مشغول فیلم‌برداری «بروستر مک کلود» بود، در صنعت سینما شروع به کار کرد. آلتمن، «دووال» را در این فیلم در نقش یک راهنمای تور به کار گرفت و این دو در ادامه در شش فیلم دیگر با هم کار کردند از جمله «مک کبب و خانم میلر» در سال ۱۹۷۱، «دزدان مثل ما» در سال ۱۹۷۴ و در فیلم «نشویل» در سال ۱۹۷۵. به نقل از اسکرین، «شلی دووال» بیشتر به‌خاطر بازی در نقش وندی تورنس همسر رنج‌کشیده جک تورنس با بازی جک نیکلسون در اقتباس استنلی کوبریک از رمان «درخشش» نوشته «استیون کینگ» در سال ۱۹۸۰ شناخته می‌شود. «دووال» در یک فیلم‌برداری ۱۳ماهه در انگلستان برای این فیلم شرکت کرد و در سال ۱۹۸۱ به محله «People» گفت که در طول فیلم‌برداری ۱۲ ساعت در روز برای هفته‌ها گریه می‌کرد و دیگر چنین روندی را طی نخواهد کرد.

از دیگر نقش‌های به‌یادماندنی دیگر او می‌توان به بازی در فیلم‌های «آنی هال» ۱۹۷۷ ساخته وودی آلن، «راهزنان زمان» ساخته تری گیلبام در سال ۱۹۸۱ اشاره کرد. «شلی دووال» در آغاز هزاره جدی میلادی از بازیگری دور بود اما درنهایت نقش‌اش آخر او به‌عنوان صادر در فیلم ترسناک «تپه‌های جنگلی» به کارگردانی «اسکات گلدبرگ» رقم خورد.